

سفر نامه

در ایام کرونازدگی؛ گذشته را مرور می کنیم
شیرگاه مازندران
و آبشار آهکی اسکلیم



آرزو احمدزاده، راهنمای طبیعت گردی

درست خاطر م هست که از ابتدای اسفند سال گذشته در خانه ماندم، حتی تعطیلات نوروز را هم در خانه ماندم به امید آنکه دوباره روزهای خوش از راه خواهند رسید و سفرها از سر گرفته خواهند شد. تنها ماه، آن هم با رعایت تمام پروتکل های بهداشتی سفر رفتیم، اما شادی سفر همان دیری ناپید و دوباره خانه نشین شدیم. دوباره باز گشتم سر خانه اول و مرور گذشته شاید این تهاراهی باشد تا بتوانم این خانه نشینی را تاب بیاورم. آلبوم عکس ها را ورق می زدم و خاطرات را دوباره و چندباره مرور می کنم. این بار به عکس های سفری برخوردم که پارسل در این روزها رفته بودیم. به یاد دارم که مانند همیشه پنجشنبه بعد از ظهر به سمت فیروز کوه به راه افتادیم و نزدیک غروب شیرگاه بودیم. استراحت کوتاهی در ورسک کردیم و از بخت خوش مان در همان لحظه ای که زیر پل ورسک بودیم قطار نیز از روی پل با صدای سوت بلندی رد شد. به یاد سپهراب افتادم که می گفت: «زندگی سوت قطاری ست که در خواب پلی می پیچد». مسیر مان را به سمت سد لغور ادامه دادیم و شب را در روستایی که بعد از سد لغور باهمان سد البرز واقع شده است، خوابیدیم. این قرار دارد همگان آن را به سد لغور می شناسند و شاید نام سد البرز کمی نا آشنا باشد. شب را در خنکای جنگل های هیرکانی به صبح رساندیم و بعد از طلوع آفتاب با صدای آواز پرندگان بیدار شدیم.



صبحانه را در کنار رودخانه خوردیم و وسایل را آماده کردیم به دل جنگل زدیم. جنگلی که قدمتی میلیون ساله دارد و در ختاش بازماندگان عصر یخبندان هستند. هوا گرم بود و مانیز طاقت شرعی رانداشتم اما هر بار که از رودخانه می گذشتم و پاهامان را به آب خنک رودخانه می زدیم گرمای تمام بیرون می شد. در کنار تنها چشمه ای که در مسیر بود نشستیم و کمی استراحت کردیم. بعد از سه ساعت پیاده روی بالاخره به آبشار آهکی و پلکانی اسکلیم رود رسیدیم. قنطرة تابولی که در ورودی حوضچه های زیر آبشار نصب شده بود به دلم نشست: «لطفاً کفش بر روی دیواره حوضچه ها راه نرود». مانیز کفش هامان را برای حفظ و پاسداشت طبیعت از یاد آوردیم و به زیر آبشار رفتیم. آب خنک و دلچسب که روحمان را جلاداد، یک ساعتی در کنار آبشار استراحت کردیم و کم کم در مسیر بازگشت به راه افتادیم. نیم پلانی گرفت و کم کم شدیدتر شد و ما خیس تر از آنچه که بودیم به پارکینگ محل پارک خود رها رسیدیم. نهار را زیر باران خوردیم و به سمت تهران باز گشتم. عکس ها را دوباره از ابتدای ورق زدم و لحظه لحظه سفر را مرور کردم. صدای زنگ تلفن من راه یکبار از سواد کوه بیرون انداخت و جلو صفحه کامپیوترم گذاشت. یکی از همکارانم بود. بعد از سلام و احوالپرسی پرسیدم چیزی شده؟ او خبر گم شدن یک گردشگر در جنگل های جهان نمای استان گلستان را داد و من مات و مبهوت ماندم. سفرم آن هم در ایام کرونا؟ با همکارم خدا حافظی کردم و کمی اخبار را جستجو کردم اما آنقدر حجم اخبار بد و ناگوار زیاد بود که تمام احوال خوبی که از مرور خاطرات آبشار اسکلیم نصیبم شده بود به یکبار به سیاهی تبدیل شد. نگران بودم، نگران هوای بدی که این روزها در منطقه جهان نما حاکم است و نگران مسیرهای صعب العبور آن منطقه. برای این دوست گمشده آرزوی سلامتی می کنم و امیدوارم در صحت کامل پیدا شود. کاش بیشتر به فکر خودمان و طبیعت باشیم. کاش از کنار توصیه های سادگی و سهل انگارانه رانشویم. کاش سفر نرویم. کاش خانه بمانیم تا بتوانیم دوباره سفر را تجربه کنیم.

زیاد آن ها باعث شده که آواز دسته جمعی شان مانند صدای جیغ و زوزه به نظر برسد. این جیرجیرکها تا ۴۰ روز زنده هستند و بعد از بین می روند. عده ای نیز این جنگل را نفرین شده و محل سکونت اجنه می دانند. به گفته ی برخی، شیاطین و روح های نفرین شده شب هنگام در این روستا پرسه می زنند و این اصوات دلخراش مربوط به آن ها است.

درست است که در لایه لای درختان و همچنین علفزارهای اطراف آن، هجوم ملخ ها مشاهده می شود، اما گفتنی است که هیچ پدیده ی غیر طبیعی دیگری در منطقه به چشم دیده نشده است. همچنین این جنگل در دره ی رودخانه ای که یکی از سرچشمه های سد طرق است قرار دارد که فصولی از سال خشک بود. اما از سال های صدها از جنگل شنیده می شود (۱۳۹۰)، آب رودخانه همچنان جاری و باقی است. همین امر باعث جلب توجه مردم و به تبع آن، ترس آن ها از این پدیده شگفت انگیز شده است. وحشتی که می تواند گردشگران کنجکوار را به سوی خود جلب کند.

روستای دوقلوهای ایران

هر کسی که برای نخستین بار وارد روستای شهرآباد ابرکوه می شود از تعداد دوقلوهای ساکن در آن حیرت خواهد کرد. اکنون نیمی از دانش آموزان دبستان شهید «رحیم محمدزاده» در این روستا نیز دوقلوه هستند و چنان به یکدیگر وابسته اند که اگر یکی از قل ها نباشد، قل دیگر در نبود همز داشت بی تابی می کند.

شهرآباد که به روستای دوقلوهوا معروف شده، حدود ۲۴۰ نفر جمعیت دارد که از این تعداد حدود ۴۰ نفر از آن ها دوقلوه هستند. دوقلوهای این روستا که بیشتر دوقلوه های همسان هستند آنقدر به هم شبیه هستند که بیشتر مواقع آن ها را باهم اشتباه می گیرند. در بسیاری از مواقع اگر آن ها به تنهایی دیده شوند با قل دیگرشان اشتباه گرفته می شود که این موضوع ماجراهای جالبی را رقم زده است. حدود ۵۰ درصد از دواج های این منطقه از نوع فامیلی است و ممکن است یکی از دلایل افزایش دوقلوزایی باشد. همدلی و وابستگی این دوقلوهوا بسیار بیشتر از دیگر خواهر، برادرهای روستا است. مدیر دبستان شهید رحیم محمدزاده گفت: این مدرسه دارای ۲۴ زبان محلی به آن «کُر» می گویند. در واقع سال های پر بارش که آب فراوان است و رودخانه سربخ خشک یا کم آب نمی شود، این جیرجیرکها به روستا حمله می کنند و در لایه لای درخت ها و گیاهان پنهان می شوند. ممکن است بر روی هر درخت نزدیک ۳ هزار جیرجیرک بنشینند. تمام این جیرجیرکها در حاشیه ی دو کیلومتری رودخانه هستند و تعداد

اواز ماه های شروع پس از زمین لرزه، برای بررسی میزان تخریب به ارگ رفته بود. در آن ایام، رسانه ها با عناوینی مثل «گره معمار دست مومیایی ها»، «ابهام درباره ی کشف جسد در ارگ بم»، «کشف مومیایی کودکان در لایه لای حصارهای ارگ بم» و... از این حادثه صحبت کردند و خبرهایی از سکوت مسئولان تا تکذیب خبر کشف اجساد تازه ی نوزادان، انتشار یافت.

علاقه مندان می توانند برای پرس و جو در مورد این حادثه، به دیدن ارگ بم بروند. این مناطق، ترس را در بازدیدکنندگان برمی انگیزد. وجود چنین جاذبه هایی در کشورهای دیگر، امکان دارد برای گردشگران علاقمند به «گردشگری سیاه» جذاب باشد و برای دیدن آن ها هزینه صرف کنند. در ایران هم علاقه مندان به حوزه ی «گردشگری سیاه» می توانند به این مناطق بروند.

جنگلی که جیغ می کشد

در نزدیکی های مشهد، جنگلی انبوه وجود دارد که به گفته ی ساکنان آن حوالی، شب هنگام صداهای وحشت آوری از آن به گوش می رسد، صداهایی که شبیه جیغ یا صوت است. ابتدای روستای «سربخ» از توابع بخش طریقه در نزدیکی مشهد، جنگلی انبوه دیده می شود که با تار یک شدن آسمان صداهایی از میان درختان آن به گوش می رسد که به گفته ی اهالی و غربیه های که به آن منطقه سفر کرده اند، شبیه جیغ است.

این منطقه پوشش گیاهی و جانوری ندارد و تاکنون گزارشی درباره حیواناتی که احتمال دارد در اینجا زندگی کنند ارائه نشده است.

وجود زنده ای به ارمان می آورد و در آن هیچگونه چشمه یا چشمه آبی در منطقه وجود ندارد. نبود منابع آب در گستره وسیع ریگ جن به همراه وجود موانع طبیعی از جمله باتلاق های نمک و تپه های ماسه ای مرتفع عواملی است که این منطقه را در طول قرن ها از دسترسی انسان دور نگه داشته است. این منطقه پوشش گیاهی و جانوری بزرگ سوندی اولین گردشگری بود که سعی کرد ریگ جن را تجربه کند. اما به دلیل باتلاقی بودن منطقه از تصمیم



ریگ جن با وسعتی حدود ۳۸۰۰ کیلومتر مربع در حاشیه ی شمالی اش به کوه گوگردی و در حاشیه ی شرقی اش به جاده ی دامغان می رسد. بهترین مسیر دستیابی به آن، بخش شمال شرقی «پارک ملی کویر» است، جاده ی سنگ فرش ملک آباد که البته داخل مرز پارک است و زیر نظر سازمان حفاظت محیط زیست اداره می شود.

در سال ۱۹۰۰ سون هدین، کویرنورد بزرگ سوندی اولین گردشگری بود که سعی کرد ریگ جن را تجربه کند. اما به دلیل باتلاقی بودن منطقه از تصمیم



منصرف شد و در نتیجه از حاشیه غربی و جنوبی ریگ جن عبور کرد. او بعدها در کتاب کویرهای ایران به طور مفصل درباره کویر نوشت تا در سال ۱۹۳۰ آلفرنس گابریل با ایده گرفتن از این کتاب راهی ایران شد و عزم ریگ جن کرد. اما او هم تنها از عرض ریگ جن گذشت. تا این که در سال ۱۳۸۰ اولین کویرنورد ایرانی راهی ریگ جن شد تا طلسم این سرزمین اسرارآمیز را بشکند. دکتر علی پارسا، برای اولین سفر با شتر راهی ریگ جن شد اما سفرهای بعدیش را با تیم های کویرنوردی انجام داد.

دیوار وحشت

هر سال، گردشگران زیادی به تماشای بقایای ارگ بم می روند ولی میتوان صرفاً بخاطر اهمیت و اهمیت ارگ بم، از این قدیمی ترین سازه ی خشتی جهان دیدن نکرد چرا که چندی پیش، خبر کشف جسد چند کودک در دیوارهای مرتفع ارگ بم، توجه کارشناسان خارجی را جلب کرد و جمعی از باستان شناسان زاپنی تصمیم گرفتند همراه با تیم گزارشگران، راهی خرابه های ارگ بم شوند و به کاوش در موردص این مسئله مطرح شده بپردازند. ماجرا از این قرار بود که بطور رسمی، اولین بار یک باستان شناس (ترگس احمدی) در گزارشی اجمالی، به کشف اسکلت نوزادهایی در ارگ بم اشاره نمود (گزارشات و مقاله ها سالانه ی پروژه ی نجات بخش میراث فرهنگی بم، س ۱، ۱۳۸۴).

تنگ و خرچنگ روها، ریزشی بودن برخی از قسمت های غار، تراورس های خطرناک و چاه های عمیق پرآورد در دنیا به غاری صعب العبور و سخت تبدیل کرده به طوری که ۵ غارنورد ایرانی جان خود را از دست دادند و اجساد برخی از آنان هیچ وقت از غار به بیرون منتقل نشده است.

تنگ و خرچنگ روها، ریزشی بودن برخی از قسمت های غار، تراورس های خطرناک و چاه های عمیق پرآورد در دنیا به غاری صعب العبور و سخت تبدیل کرده به طوری که ۵ غارنورد ایرانی جان خود را از دست دادند و اجساد برخی از آنان هیچ وقت از غار به بیرون منتقل نشده است.

رموز ترین خانه ایران

هفت دغنان روستایی در نزدیکی بندر انزلی است که به نام کلبه وحشت شناخته می شود.

در قسمت بیرونی این روستا خانه ای متر و که وجود دارد که طبق گفته مردم بومی آن منطقه هر کس یک شب تا صبح در آن خانه بماند ارواح آن شخص را تر و تمند می کنند اما کسی جرات نزدیک شدن به این محل را ندارد. چهار سال بعد از این ماجرا سه دختر دانشجو از پشت خانه و به طور مخفیانه وارد خانه می شوند که دو روز بعد یکی از دختران را در ۳۰۰ متری خانه و در جنگل پیدا می کنند که در درخت قایم شده و از ترس به خود می لرزد.

ریگ جن: مثلث برمودای ایران

ریگ جن شگفت انگیز ترین، اسرارآمیز ترین و وحشتناک ترین منطقه در ایران است. نمک... ماسه... باتلاقی و شزارهای روان! این تمام چیزی است که در ریگ جن خواهید دید. مثلث برمودای ایران که یکی از عجایب ایران می باشد جز تپه های سوزان آن دیده دیگری برای مسافران ندارد. در این منطقه کویری تا چشم کار می کند تپه های شنی است و باتلاق های نمک که مهم ترین بهانه تبدیل ریگ جن به یکی از صعب العبور ترین نواحی جهان به شمار می رود. ریگ جن آنقدر صعب العبور است که از دوران های قدیم هیچ کاروان و مسافری از آن عبور نمی کرده است. بنابراین طبیعی است که هیچ روستایی هم در آن وجود نداشته باشد.



بگاه دهدار، راهنمای گردشگری

در هفته ی گذشته به معرفی برخی از عجیب ترین نقاط گردشگری در کشور عزیزمان پرداختیم. در این هفته نیز با تعداد دیگری از این مناطق اعجاب انگیز و شگفت انگیز آشنا خواهیم شد. به راستی که کشورمان پر از شگفتی و زیبایی است...

غار پرآو

غار پرآو به معنای پسر از آب در ۱۲ کیلومتری شمال شرق کرمانشاه و نزدیک روستای چال آبه در ارتفاع ۳۰۵۰ متری میدان جنوبی قله ی پرآو با ۷۵۱ متر عمق و ۲۶ حلقه چاه یکی از عمیق ترین و صعب العبور ترین غار های جهان است. عمیق ترین چاه پرآو ۴۲ متر عمق دارد، دهانه ورود غار کاملاً چاهی است و ورود به آن به گردشگران معمولی و حتی غارنوردان غیر حرفه ای اصلاً توصیه نمی شود.

حدود ۴۶ سال از زمان کشف این غار می گذرد. اولین بار در سال ۱۳۵۰ بود که یک گروه غارنورد انگلیسی به عمق ۷۵۰ متری این غار رفتند و آن را کشف کردند. یک سال بعد طمع دست یافتن به کورد جهانی باعث شد که دوباره یک تیم غارنورد انگلیسی راهی این غار شوند تا پیشروی بیشتری را در اعماق این غار به ثبت برسانند. این گروه ۱۶ نفره در عمق ۷۵۱ متری به حوضچه ای گلی به طول ۵۰ متر برخوردند که ادامه پیشروی را برایشان غیر ممکن می کرد، با اینکه امید زیادی به گسترش این غار می رفت اما از نظر آن ها غار به نقطه پایان خود رسید بود. سه سال بعد، تیمی لهستانی هم از غار دیدن کردند و مهر تاییدی زدند بر اینکه اینجا واقعاً پایان این غار است. بعدها با رفتن غواصی به داخل این آبگیر مشخص شد که عمق این حوضچه سه متر است و راه به جایی ندارد.

این غار که زمانی از بزرگ ترین غار عمودی دنیا بود و به پوست غار های دنیا شناخته می شد امروز با کشف غار های عمیق دیگر به رتبه ۲۲۰ عمیق ترین غار های دنیا رسیده است

برودت دمای هوا در پسرآو به دلیل آب جاری آن که حاصل ذوب شدن یخچال های زیر زمینی است؛ می باشد. این دما همیشه بین ۳ و ۱۰ درجه سانتی گراد است و همین مساله پیمای غار را سخت می کند. جاذب این گذرگاه های